

بسم الله الرحمن الرحيم

جملات ناب فصل دهم کتاب نقش آزادی در تربیت کودکان

موضوع: آزادی و شخصیت

صفحه: ۱۴۹ تا ۱۶۳

تعریف شخصیت

شخصیت عبارت است از آن سازمان، آن هماهنگی شکل یافته عوامل و منظومه‌های روانی و رفتاری هر انسان که منشأ سازگاری اوست با محیطش فرمول خاصی دارد. حتی دو نفر انسان در برابر عوامل محیطی لازم نیست واکنش مشابهی داشته باشند. بلکه معمولاً میان کنش و واکنش اینها با عوامل محیط تفاوت‌هاست.

ص ۱۵۳ بند ۲

تفاوت انسان و سایر موجودات

تفاوت اساسی انسان و موجودات دیگر، از جاندار و بی جان، این است که طراح آفرینش نقش هدایت‌گری را در او ضعیف نگه داشته است.

ص ۱۵۷ بند ۱

شخصیت انسانی

آزادی و انتخاب آزادانه است که زندگی و شخصیت ما را زندگی و شخصیت انسانی می‌کند.

ص ۱۵۸ بند ۳

تربیت انسان

و تو ای روحانی و ای عالم دینی، یا تو ای نویسنده و گوینده غیر معمم! با گفته‌ها و نوشته‌هایت یک مشت موجود قالبی، یک مشت انسان‌نمایی که به کارخانه بزرگ اجتماع سفارش داده‌اند تا با فلان مدل به دنیا بیاید، با فلان مدل بیندیشد، با فلان مدل زندگی کند، و با فلان مدل بمیرد، تحویل آینده نده! آینده بشریت به انسان نیاز دارد؛ انسان برخوردار از شخصیت انسانی؛ انسانی که خود را بسازد و محیط خود را.

ص ۱۵۹ بند ۲

لزوم حلم و بردباری برای مربیان

ای معلم! ای مربی! ای عالم دینی، ای روحانی، ای مدیر مدرسه، ای مدیر مؤسسه، ای مدیر جامعه! مبدا برای پوشاندن نقائص خویشتن به اعمال خشونت و دیکتاتوری متوسل شوی و از آزادی طبیعی دیگران جلوگیری نمایی!

ص ۱۵۹ بند ۳

الگو بودن مدیران و مربیان

معلم، مربی، مدیر، رئیس، مدیران جامعه و رهبران جامعه، اینها باید بدانند بزرگ‌ترین علت موفقیت انسانی که می‌خواهد کمک‌کار انسان‌های دیگر در خودسازی باشد این است که خود این انسان الگویی باشد برخوردار از کمالاتی که دوست دارد دیگران به دست آورند. آراستگی به کمالات علمی معلم و مربی، و متانت، وقار، محبت، خودجوشی، معلومات، حس برخورد، و لیاقت اوست که باید کلاس را اداره کند، نه خشونت او.

ص ۱۶۰ بند ۲

آئین اسلام

جامعه اعطای شخصیت‌ها، کیش اسلام می‌شود، کیش شخصیت انسانی؛ چون آئین اسلام آئین آزادی است.

ص ۱۶۱ بند ۲

وظیفه پیامبران

آقا! خانم! خدا به پیغمبرش می‌گوید تو حق نداری انسان‌ها را واداری به ایمان؛ تو باید راه ایمان را به انسان‌ها نشان بدهی؛ زمینه‌های محیطی ایمان پیدا کردن و آزادانه به راه ایمان گام نهادن را فراهم کنی. البته در فراهم کردن زمینه‌ها باید قدرت به کار برود، اما قدرت باید فقط در این حد به کار برود که زمینه‌های منفی از بین برود و زمینه‌های مساعد برای انتخاب احسن فراهم شود.

ص ۱۶۲ بند ۲

هدایت انسان و نقش انبیاء

بصائر و نشانه‌ها از جانب خدا آمده تا انسان خود انتخاب کند و خویشتن را بسازد. یعنی چه؟ یعنی حتی پیغمبر و ماما و قرآن برای ساختن انسان‌ها کمکی بیش نیستند و نباید باشند. نه فقط نیستند، بلکه نباید باشند. تا آنجا که پیغمبر از روی شوق می‌خواهد بیش از این حد برای به راه آوردن انسان‌ها اقدامی کند، قرآن به او فرمان ایست می‌دهد. «طه ما انزلنا علیک...»

ص ۱۶۳ بند ۲

